

ادوارد مورگان فورستر

جنبه‌های رمان

۱ مقدمه

۲۹ داستان

۴۸ جنبه‌های فنی رمان

۶۲ **ترجمه**

۱۱ **ابراهیم یونسی**

۱۱۵ طرح

۱۴۱ **نقد**

۱۶۷ **فهرست**

۱۹۷ **پس‌گفتار**

مؤسسه انتشارات نگاه

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

www.nagah.com

Email: nagah@nagah.com

مؤسسه انتشارات نگاه

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

ادوارد مورگان فورستر^۱ در سال ۱۸۷۹ تولد یافت. تحصیلاتش در «تنبریج اسکول»^۲ بود. در ۱۸۹۷ به «دکینگر کالج»^۳ کمبریج وارد شد. که همی با وی پیوند داشت. در ۱۹۱۵ به عضویت افتخاری آن درآمد. بسیاری از دانشگاهها به وی درجه افتخاری دادند. او اعلام می کرد که زندگانش بر روی دم جندان چالب نبوده و خود در جاب کامیابی های شوش همچنان بی ادعا بود. در مصاحبه ای که بنگاه

فهرست

۱. مقدمه ۹
۲. داستان ۳۹
۳. عتیقه جو. فصل یکم ۴۸
۴. اشخاص ۶۳
۵. اشخاص ۹۱
۶. طرح ۱۱۵
۷. فانتزی ۱۴۱
۸. فرابینی ۱۶۷
۹. انگاره و آهنگ ۱۹۷

جهانی است. که در آنجا در خدمت مطبوعه سرخ بود. سناریوی یک فیلم و اشعار آیرای بیلی^۵ ساخته «بریت»^۶ که با همکاری «اریک کروزی»^۷ سرود.

1. Edward Morgan Forster

2. Tenbridge School

3. King's College

4. The Passage to India

5. Billy Budd

6. Britain

7. Eric Crozier

ادوارد مورگان فورستر^۱ در سال ۱۸۷۹ تولد یافت؛ تحصیلاتش در «تنبریج اسکول»^۲ بود؛ در ۱۸۹۷ به «کینگز کالج»^۳ کمبریج وارد شد، که عمری با وی پیوند داشت؛ در ۱۹۶۴ به عضویت افتخاری آن درآمد. بسیاری از دانشگاه‌ها به وی درجه افتخاری دادند. او اعلام می‌کرد که زندگانش بر روی هم چندان جالب نبوده، و خود در باب کامیابی‌های خویش همچنان بی‌ادعا بود. در مصاحبه‌ای که بنگاه سخن‌پراکنی انگلستان به مناسبت هشتادمین سالروز تولدش با وی به عمل آورد گفت: «چندان که خود می‌خواستم ننوشته‌ام... به دو علت می‌نویسم: یکی برای پول درآوردن، یکی هم جلب احترام مردمی که به ایشان احترام می‌گذارم... و باید بیفزایم که مطمئنم رمان‌نویس بزرگی نیستم». اما داوری منتقدان برجسته و عامه مردم جز این بوده است. گدزی به هند^۴ تنها در چاپ «پنگوین» ۵۶۲۰۰۰ نسخه فروش داشته است. فورستر علاوه بر پنج رمان و مجموعه‌ای داستان کوتاه، که در چاپ پنگوین در دسترس است، نزدیک به چهارده اثر دیگر منتشر کرد از آن جمله دو زندگینامه، دو کتاب درباره اسکندریه، که حاصل اقامتش طی دوران نخستین جنگ جهانی است، که در آنجا در خدمت صلیب سرخ بود؛ سناریوی یک فیلم و اشعار اپرای بیلی‌باد^۵ ساخته «بریتن»^۶، که با همکاری «اریک کروزیئر»^۷ سرود.

1. Edvard Morgan Forster

2. Tonbridge School

3. King's College

4. *A Passage to India*

5. *Billy Budd*

6. Britten

7. Eric Crozier

و در سال ۱۸۲۱ میلادی در شهر یورکشایر متولد شد. وی در سال ۱۸۲۶ به مدرسه «شروزبری» رفت و در سال ۱۸۳۰ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۳۴ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۳۶ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۳۸ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۴۰ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۴۲ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۴۴ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۴۶ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۴۸ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۵۰ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۵۲ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۵۴ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۵۶ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۵۸ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۶۰ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۶۲ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۶۴ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۶۶ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۶۸ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۷۰ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۷۲ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۷۴ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۷۶ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۷۸ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۸۰ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۸۲ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۸۴ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۸۶ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۸۸ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۹۰ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۹۲ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۸۹۴ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۸۹۶ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۸۹۸ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۰۰ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۰۲ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۰۴ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۰۶ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۰۸ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۱۰ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۱۲ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۱۴ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۱۶ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۱۸ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۲۰ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۲۲ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۲۴ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۲۶ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۲۸ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۳۰ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۳۲ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۳۴ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۳۶ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۳۸ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۴۰ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۴۲ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۴۴ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۴۶ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۴۸ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۵۰ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۵۲ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۵۴ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۵۶ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۵۸ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۶۰ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۶۲ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۶۴ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۶۶ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۶۸ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۷۰ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۷۲ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۷۴ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۷۶ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۷۸ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۸۰ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۸۲ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۸۴ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۸۶ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۸۸ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۹۰ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۹۲ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۱۹۹۴ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۱۹۹۶ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۱۹۹۸ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۲۰۰۰ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۲۰۰۲ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۲۰۰۴ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۲۰۰۶ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۲۰۰۸ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۲۰۱۰ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۲۰۱۲ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۲۰۱۴ به مدرسه «سدبرگ» رفت. وی در سال ۲۰۱۶ به مدرسه «تریونیتی» رفت. وی در سال ۲۰۱۸ به مدرسه «کلارک» رفت و در سال ۲۰۲۰ به مدرسه «سدبرگ» رفت.

این کرسی با نام «ویلیام جورج کلارک»^۱ پیوند دارد که خود استاد «تریونیتی»^۲ بود. به واسطه اوست که ما امروز به گرد هم می آییم، و هم با او عنوان بحث می کنیم.

گمان می کنم که وی از مردم یورکشایر بود. تولدش به سال ۱۸۲۱ بود.

در «سدبرگ»^۳ و «شروزبری»^۴ به مدرسه رفت؛ در سال ۱۸۴۰ به عنوان دانشجو وارد «تریونیتی» شد و چهار سال بعد مدرس شد و قریب به سی سال دانشکده را خانه خویش ساخت، و تنها اندکی پیش از مرگ و هنگامی آن را ترک گفت که سلامتش مختل شد. بیشتر به عنوان یک شکسپیر شناس شهرت داشت، لیکن دو کتاب در عرصه های دیگر منتشر

1. William George Clark

۲. Trinity یکی از کالج های کمبریج.

3. Sedbergh

4. Shrewsbury

کرد، که در اینجا باید بدان‌ها اشاره کنم. در جوانی به اسپانیا رفت و گزارش جالبی از سفر خویش را تحت عنوان «گازپاچو»^۱ نگاشت: گازپاچو نام نوعی آش سرد است که او خورده بود و می‌نماید که در میان روستاییان اندلسی از آن لذت فراوان برده بوده است. در حقیقت به نظر می‌رسد از همه چیز لذت می‌برد. هشت سال بعد، حاصل سفرش به یونان، دومین کتاب وی بود که تحت عنوان «پلئوپونزوس»^۲ منتشر کرد. این کتاب اثری است سنگین تر و جدی تر. یونان آن زمان محلی بود جدی تر، خیلی جدی تر از اسپانیا؛ به علاوه، کلارک نه تنها منصب روحانیت یافته، بلکه خطیب نیز هست؛ گذشته از این با دکتر «تامپسن»^۳ همسفر بود، که رئیس وقت دانشکده بود و از آن کسانی نبود که شیفته آش سرد می‌گردند، و لذا در آن شوخی و مطایبه درباره قاطر و کک اندک است و ناچار خواننده هر لحظه بیش از پیش با بقایا و آثار عهد باستان و آوردگاه‌ها روبرو می‌شود. گذشته از عمق دید، آنچه در سرتاسر آن زنده است احساسی است که نسبت به نواحی برون شهری ابراز می‌شود، کلارک لهستان و ایتالیا را نیز سیاحت کرد.

به سروقت سابقه دانشگاهش بازآیم. وی طرح شکسپیر کمبریج^۴ را ریخت، که کاری بزرگ بود؛ نخست با «گلاور»^۵ و سپس با «الدیس رایت»^۶ (که هر دو کتابدارترینیتی بودند) و با مساعدت الدیس رایت گلوب شکسپیر^۷ را منتشر کرد که سخت اقبال عامه یافت. مواد و مصالح

1. Gaspacho

2. Peloponnesus

3. Thompson

4. Cambridge Shakespeare

5. Glover

6. Aldis Wright

7. Globe Shakespeare

بسیاری را برای طبع نسخه‌ای از آثار «آریستوفانس»^۱ گردآوری کرد؛ وی همچنین موعظه‌هایی چند را منتشر ساخت، لیکن در سال ۱۸۶۹ از کسوف روحانیان بدر آمد — این امر ضمناً ما را از پاره‌ای قیود معاف می‌دارد. او نیز مانند دوست نویسنده زندگینامه‌اش، «لزلی استیون»^۲ و «هنری سیج ویک»^۳ و مردم دیگری از همان نسل نتوانست در خدمت کلیسا بماند. و دلایل و جهات کناره‌گیری خویش را در ساله‌ای تحت عنوان «خطرات کنونی کلیسای انگلیس»^۴ بیان داشت. در نتیجه با این که مقام مدرسی دانشگاه را همچنان حفظ کرد از خطابت کناره گرفت. در پنجاه و هفت سالگی و در حالی که مورد احترام همه کسانی بود که او را به عنوان یک انسان دوست داشتند و فاضل و شریف می‌شناختند از جهان رفت. قطعاً می‌دانید که وی یکی از سیماهای کمبریج است — نه یک سیمای جهانی، و نه حتی سیمایی درخور آکسفورد، بلکه روح و جوهری خاص این محوطه‌ها، آنچنان که شاید تنها شما که پس از وی بر آنها گام می‌زنید به درستی درمی‌یابید. وی در وصیتنامه خود بخشی از ماترکش را به تأمین هزینه سلسله گفتارهایی تخصیص داده است که هر ساله در دانشگاه آشنای وی در باب دوره یا دوره‌هایی از ادبیات انگلیس، نه دورتر از چاوسر^۵، ایراد می‌شوند و با نامش پیوند دارند.

امروزه دعا باب نیست، با این همه من به دو دلیل می‌خواهم این

۱. Aristophanes, دراماتیس (فکاهی‌نویس) یونانی که سال وفات او را ۱۵۰ سال پیش از میلاد می‌دانند.

2. Leslie Stephen

3. Henry Sidgwick

4. The Present Dangers of the Church of England

۵. Chaucer, شاعر انگلیسی (۱۳۴۰ - ۱۴۰۰).